

فوران
5-1-2010

دلاوران رزمنده خلق



یادی از رفیق محمد صدیق

گردن فرازان

بیا بنگر

که ما

هرواژه شعر بلند سرخ رویش را

چسان

با قطره های گرم خون خویش

به عمق سینه ای این خاک

میکاریم

بیا بنگر که ما

زندانیان غرق در زنجیر

سرود خوانان و پاکوبان

به بزم مرگ و تیرباران

به مردی گام میگذاریم

بیا بنگر
که اینجا
جای اعدامست
ورگبار مسلسل های دژخیمان
خروشان
هر سحرگاهان و هر شامست
وماگردن فرازانیم
به لبهامان- لبخندها
وباچشمان باز
ایستاده ایم برپا
ومرمی ها
ومرمی های آتشدار سربین جامه ی سوزان
میآیند
درخشان
ودرخشان
ودرخشان
گرم مینشینند
درون مغزها و قلبهاوسینه های ما
وماگردن فرازانیم
وفریادهای، آزادی
آزادی
آزادی
به لبهامان
سرودخویش میخوانیم:
جوان مردان دورانیم
زنسل آن سیه پوش خراسانیم

رفیق "بابک" و "هشام"
رفیق "شیر" سیستانیم
و همزمان "سرمد" ها و "محمودها" و "رستاخیز"
و "بهمن" ها
نه یک فردونه چند فردیم
هزارانیم هزارانیم
که تافر دای پیروزی و بهروزی
ز رفتن باز نمی مانیم
و مرمیها
و مرمی های آتشدار سربین جامه ی سوزان میآیند
گرم مینشینند
درون مغزها و قلبها و سینه های ما
و ماگردن فرازانیم
هنوز ایستاده ایم برپا
سرو و خویش میخوانیم
و دشمن
سخت ناکامست

رفیق محمد صدیق یکی از چهره های آشنا و درخشان جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بوده و از شهرت خوب مبارزاتی در بین مردم کشور برخوردار بود. مشارالیه منافع شخصی اش را فدای منافع جمعی نموده و همیشه یار و یاور مردم بود. رفیق صدیق بعد از انشعاب و تکه پاره شدن جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) به آحاد مختلفه اش همراه با یکی، دوتن از همزمان خویش دست به ایجاد محفل مطالعاتی و تحقیقی زد. یکی دوسال را در خدمت پیشبرد و ترویج اندیشه های انقلابی مارکسیستی - لنینیستی از طریق این

محفل سپری نمود. بعد از اینکه کودتای ننگین و شوم هفت ثورپیروز گردید و باندهای جانی، خائن و وطن فروش خلق و پرچم روی کار آمد. رفیق صدیق در عین شکل گیری مبارزه مسلحانه به عنوان منشی کمیته ولایتی هرات وابسته به سازمان اخگر تمامی امکانات مبارزاتی اش را در راه پیشبرد امر مبارزه قرارداد و هسته های انقلابی را در بین کارگران ایجاد نمود. کارگران کارخانه نساجی هرات به وی به حیث یک رفیق صمیمی و یار طبقاتی شان مینگریستند و چه بسا که در همه امورشان از رفیق صدیق به عنوان یک رفیق فعال و رزمنده مشوره میخواستند، تا اینکه مزدوران رژیم فاشیستی خلق و پرچم به اثر شناسائی های قبلی رفیق صدیق را از درون کارخانه دستگیر نموده و با دستبند و زنجیر اورابه سیاه چالهای زندان هرات منتقل ساختند. به روایت نزدیک او بعد از مقاومت های قهرمانانه در زیر شکنجه های فاشیستی و غیر انسانی جانیان و آدمکشان خلق و پرچم به شهادت میرسد و به جاودانگی میپیوندد. رفیق صدیق مانند هزاران مبارز، رزمنده و انقلابی به دست باندهای جنایتکار خلق و پرچم به شهادت رسید اما لکه ننگ ابدی بر دامن وطن فروشان خلق و پرچم و بآداران سوسیال امپریالیست شان تا ابد باقی است و با هیچ نوع ناز و کرشمه سردادن دموکراسی این لکه ننگین از دامن کثیف شان پاک نخواهد شد.

دفاع از دلاوران و رزمندگان صدیق جریان دموکراتیک نوین که جانهای شیرین شان را بخاطر نجات مردم و آزادی و سر بلندی کشور از دست داده اند بدون در نظر داشت تعلقات سازمانی شان وظیفه مبارزاتی تمام عناصر انقلابی و تشکلات مترقی میباشد. اگر دیروز باندهای مزدور و آدمکش خلق و پرچم انقلابیون واقعی را بجرم دفاع از میهن و مردم به کشتار گاه ها میبردند اکنون امپریالیست های امریکائی، ناتوئی و مزدوران حقیر و وطن فروش

شان به کشتار مردم رنج‌دیده و مظلوم افغانستان جشن و پایکوبی دارند. دهات و قریه‌ها را به آتش میکشند و از سلاح‌های مرگبار کشتار جمعی بر ضد مردم ما استفاده میکنند. امپریالیست‌ها همه این جنایات را تحت عنوان مبارزه با القاعده و طالبان انجام میدهند. آنها تاحال هزاران نفر از هموطنان ما، زنان مردان و اطفال را به قتل رسانده‌اند. اما عده‌ای از طالبان مثل (ملا راکتی، ملا ضعیف و ملا متوکل) و غیره را مورد لطف و نوازش قرار داده زمینه زندگی مرفه را برای آنها مساعد ساخته و می‌خواهند دوباره آنها را بالای گرده مردم حاکم سازند. در این گیرودار عده از تسلیم طالبان وظیفه ملابنویسها را انجام داده، جنایات و آدمکشی امپریالیستها و قوای ناتو را توجیه دموکراتیک می‌نمایند. بگذار وطن‌فروشان و تسلیم‌طلبان خون‌شهادی انقلابی کشور را فراموش نمایند مانند مرغان خانگی از تفاله‌های فکری قوطیهای کانسرو شده امپریالیستها تغذیه نمایند. عقابان تسلیم‌ناپذیر به پروازشان ادامه خواهند داد و سر انجام به قلعه‌های شامخ پیروزی خواهند رسید. آینده از آن خلق هاست.

در این نبشته از یادنامه شهیدان اخگر استفاده شده است